

حجت الاسلام دکتر عباس موسویان، عضو شورای فقهی بانک مرکزی در گفت و گو با «فرهیختگان»:

اصلاح زیرساخت‌های اقتصادی لازمه ارتقای ارزش پول ملی است

■ بالا بودن نرخ سود بانکی باعث کاهش ارزش پول ملی شده است

■ قیمت ارز باید افزایش پیدا کند



آمارها حکایت از کاهش ۲۸ درصدی آونش پول ملی دو سال جاری دارد. البته این دیدگاه از سوی کسانی که همع کاهش آونش پول را بازآاری جهانی و افزایش نرخ ارز دو عاملی در کاهش شاخص تضعیف پول می‌دانند، مطرح می‌شود. این فرایند از افراد معتقدان: «با این بقانون ریل را دو برابر کن» نیز رخ از مرز بانک مرکزی تضعیف شده است و پول ملی ایران بدرم اعدای دولت حال و روز خوبی ندارد. همین رابطه «ریخته‌گان» در گفت‌ووی با حجت‌الاسلام دکتر عباس موسویان، نماینده سابق سازمان پژوهش‌ها فرهنگ و اندیشه اسلامی: «عوض کمیته فقهی سازمان بورس و اوقاف بهادر به بررسی موسویان می‌آید: «بالا بودن نرخ سود بانکی و عدم بهیروی نیروی انسانی باعث می‌شود هزینه تولید در اقتصاد بالا باشد، بنابراین با مطالعات علمی و کارشناسی روز میات بهیروی و کاهش نرخ سود کار کنیم. در این صورت می‌توانیم به صورت جدی و علمی بساری تثبیت آونش پول ملی کمک کنیم. تمام کسانی این گفت‌وگو در ذیل می‌آید:

کاهش چشمگیر ارزش پول ملی کشور در سال‌های اخیر را قبول دارید یا نه؟

و شن است که این کاهش ارزش برای پول

ملی ما اتفاق افتاده است. سال گذشته همین موقع قیمت دلار ۳۷۰ تومان بود، اما در حال حاضر ۴۶۰ تا ۴۷۰ تومان است. پس ارزش پول ملی در ماکاش پیدا کرده است. باید دید آیا این کاهش به خاطر تضعیف پول ملی در برابر پول های بین المللی بوده یا از نوع تورم پولی ایران که در مقابل کالاها و خدمات از جمله کالاهای ارزی ناشی می شود رخ داده است. این دو باهم متفاوت است.

کاهش ارزش پول ملی اساساً چه مشکلاتی را برای مردم و اقتصاد ما به وجود می‌آورد؟ به عبارتی آسیب‌ها و زبان‌های آن برای اقتصاد چیست یا چه منفاعی برای کشور دارد؟ برخی از صاحب‌نظران معتقدند کاهش ارزش پول، چندان فایده‌مند نیست و اتفاقاً ارزش پول را کاهش می‌دهد؛ بنابراین، به این معنا که صادرات افزایش یافته و با گران

شدن واردات حجم
آن کاهش می یابد.
دیدگاه شما در این
زمینه چیست؟

انی هستم که
روز افزایش پیدا
از اساتید که
خ تثبیت شود،
مدم برای حمایت
نرخ بالا برود.
قیمت ارز در
و مختلفی دارد
می تواند مثبت
بیکر
ضر باشد

یک اقتصاد بازتاب‌های مختلفی دارد. برخی از این بازتاب‌ها می‌تواند مثبت و برخی دیگر منفی و حتی مضر باشد، بنابراین باید مجموع این مسائل را در نظر گرفت و سپس نسبت به آن و تأثیرات آن بر اقتصاد کشور قضاوت کرد. با توجه به اینکه کشور ما بویژه در بخش صنعتی و در حدودی در بخش کشاورزی و خدمات، وابسته به اقتصاد جهانی است و ماشین‌آلات و مواد اولیه مورد نیازش را از کشورهای دیگر وارد می‌کند، بالا رفتن نرخ ارز مثل دلار و یورو و امثال اینها باعث کاهش قیمت مواد اولیه و ماشین‌آلات و خدمات‌های تولید شده و قیمت مواد اولیه و ماشین‌آلات و خدمات کارخانه‌ها افزایش پیدا می‌کند. نتیجه این می‌شود که قیمت محصولات و کالاهای تولیدی این کارخانه‌ها نیز افزایش پیدا کند. البته

آمارها نشانگر کاهش ارزش پول ملی در سال جاری است، به طوری که گفته می‌شود امسال چیزی حدود ۳۸ درصد از ارزش پول ملی ما کاهش یافته است. این آمار ارزش دلار در بازارهای جهانی و افزایش نرخ ارز در داخل را ملاک محاسبه قرار داده، تحلیل شما در این زمینه چیست؟

واقعیت مطلب این است که تضعیف پول ملی، برای بحث و تورم داخلی بحث دیگری است. اگرچه این دو مساله باهم ارتباط دارند، ولی عین هم نیستند. ما به خاطر شرایط خاص اقتصاد داخلی و همین طور اقتصاد بین الملل که در آن قرار گرفتیم، با بحث تورم داخلی نسبت به پول خودمان مواجه هستیم؛ یعنی حجم پول ما متناسب با رشد اقتصادی مان بالا نمی‌رود، بلکه گاهی چند برابر رشد اقتصادی جهش پیدا می‌کند. عوامل مختلفی دست به دست هم می‌دهند تا پول ملی ما در مقابل کالاها و خدمات ارزان و کارکردش راز دست بدهد. در واقع تورم و کاهش ارزش پول در مقابل کالاها و خدمات با همان تونر است.

به صورت طبیعی یکی از دارایی‌ها و کالاهای ارزشی که در یک کشور خرید و فروش می‌شود، ارزهای خارجی است. وقتی ما اصطلاحاً سبد کالایی که به وسیله یک مقدار مشخصی از دلار و مقدار مشخصی از ریال خریداری شده را به هم مقایسه می‌کنیم، آنجا متوجه می‌شویم که ارزش پول ملی نسبت به ارزش دلار به مثلاً ارزی‌های دیگر کاهش

پیدا کرده است، به عبارت دقیق تر، مبدأ این مساله همان تورم داخلی است، البته این تورم داخلی مقداری منشأ اقتصاد داخلی و مقداری منشأ بین المللی دارد و بیشتر به این موضوع بازمی گردد، حتی اگر ما بخواهیم در چهار یا پنج سال گذشته مقایسه کنیم، میزان کاهش ارزش پول ملی در مقابل دلار و یورو خیلی کمتر از متوسط تورم پنج سال گذشته بوده است. از این جهت نمی توان مطابق اصطلاح اقتصادی اسمش را تضعیف پول ملی گذاشت، چون رابطه پولی ما با کالاها و خدمات تغییر پیدا کرده است. اگر ارزش پول ما به عنوان یک کالا محسوب کنیم، چون در داخل کشور پول به حساب نمی آید، به عنوان یک کالا به شمار می آید. در حقیقت تئوری که نسبت به پول ما به وجود آمده، شامل همه کالاها و خدمات می شود؛ یعنی تورم موجود در کشور شامل ارزهای مطرح ما مانند دلار، یورو، درهم و احتمال اینها نیز می شود.

براساس صحبت‌هایی که مطرح کردید، می‌توان گفت ارزش پول ملی ما نسبت به گذشته کاهش پیدا کرده است. آیا شما

به سال‌های قبل رشد داشته باشد. این مسائل زمینه‌ساز بالا رفتن قیمت کالاها و خدمات شده و تورم را به وجود می‌آورد. در این شرایط دولت مجبور می‌شود در سال بعد به خاطر وجود تورم، دستمزدها را افزایش دهد که این افزایش دستمزدها و نهادهای تولید

دور باطل تورم را تکرار می‌کند. اینجاست که به اعتقاد بنده باید با مطالعات علمی و کارشناسی روی مباحث بهره‌وری و مدیریت و کاهش نرخ مالی و سود بانکی و هزینه‌های جانبی تولید که بر تولید ملی تحمیل می‌شود، هزینه‌های تولید ملی را کاهش دهیم، در این صورت توانستیم به صورت جدی و علمی برای ثبات ارزش

پول ملی کنیم.

بتوانیم زیرساخت‌های اقتصادی را از جهت حمل‌ونقل و ارتباطات، حقوق مالکیت و رساندن کالا به دست مصرف‌کننده نهایی با کمترین واسطه‌ها و بالا بردن بهره‌وری در بخش نیروی کار و مدیریت در کشور فراهم کنیم، آنگاه هزینه‌های

تولید برای کشور
ما تثبیت می شود،
وقتی این هزینه ها
تثبیت شد، نتیجه اش
این می شود که
بمول ملی نیز تثبیت
می شود و نیازی به
نورم و افزایش قیمت
کالاها و خدمات
نیخواهد بود، اما
زمانی که ما نتوانیم
بر سر ساخت های
اقتصادی را فراهم
کنیم و همچنان هزینه
تولید در کشور هرسال
نسبت به سال قبل

افزایش پیدا کند، اینجا اصطلاحاً ثابت نگه داشتن قیمت ارز باعث سرکوب مالی شده و قیمت ارز را فزنی می کند. فزنی شدن قیمت ارز باعث می شود ارز در یک مقطع تاریخی دو یا سه برابر افزایش پیدا کند که آسیب های اقتصادی این موضوع به مراتب بیشتر از افزایش نرمال با شیب ملایم آن خواهد بود.

مطابق دیدگاه شما، اتخاذ چه سیاست‌هایی
منجر به کاهش ارزش پول ملی در کشور
می‌شود؟

به اعتقاد من عدم اهتمام به بحث افزایش بهره‌وری در نیروی انسانی و عدم توجه به مباحث مدیریت های صحیح اقتصادی و تصمیم گیری های مناسب و به موقع در حوزه های کاری و بالا بودن نرخ سودهای بانکی باعث می شود هزینه های تولید در اقتصاد ما همیشه بالا بوده و نسبت

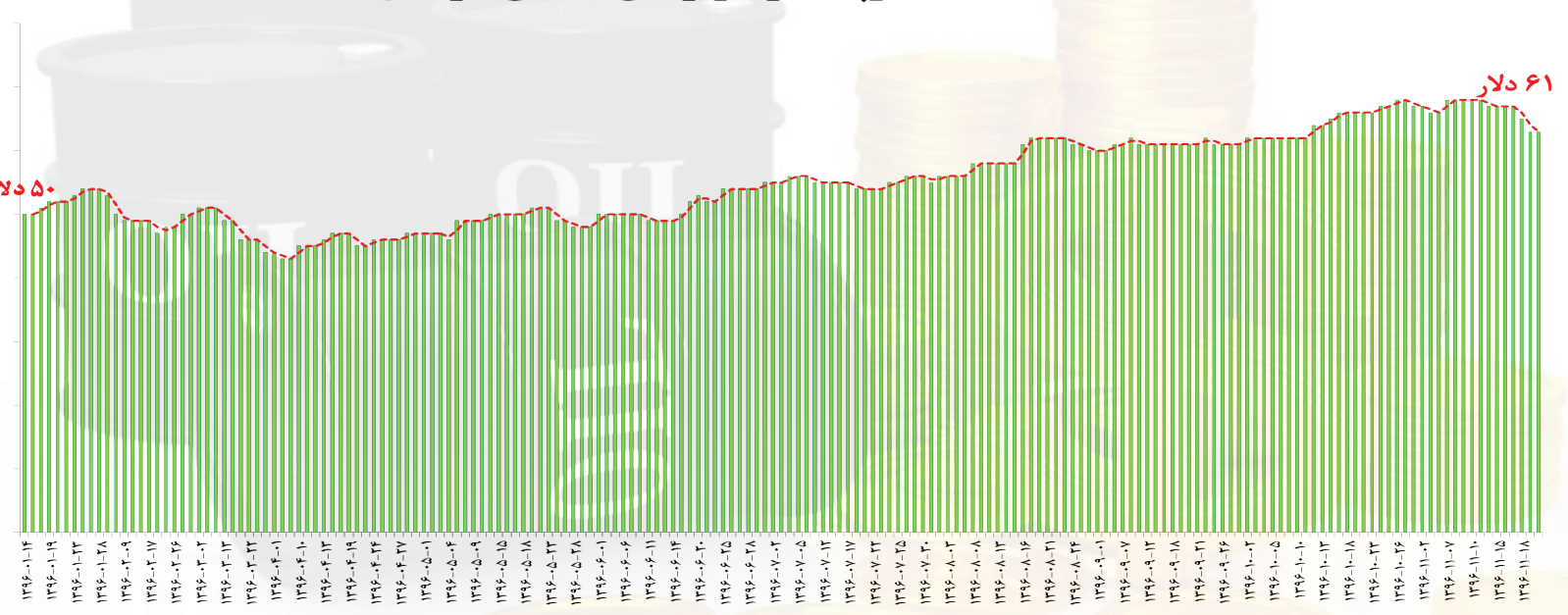
صادرات و تولیدات صادراتی می شود، روی این حساب بحث بالا یا پایین بودن نرخ ارز این طور نیست که واقعاً یک طرفش ضرر محض و طرف دیگرش یک محض باشد. به اعتقاد بدو استاد و کارشناسانی که می خواهند نظر بدهند، باید منافع و ضررها را باهم ببینند. در مجموع اعتقاد من این است که ارزان بودن قیمت ارز به تولید ملی آسیب می زند و باعث پایین آمدن اشتغال ملی و گسترش بیکاری شده و واردات جایگزین تولید داخلی می شود و اصطلاحاً کارهای کوتاه مدت بر فعالیت های بلند مدت مورد نیاز جامعه غلبه پیدا می کند. البته این مساله به این دلیل نیست که بگذاریم قیمت ارز بدون ملاحظه افزایش بی رویه داشته باشد، بلکه باید مدیریت شده و در حدی که تولید ملی آسیب نبیند و صادرات ما تشویق شود و جلوی واردات بی رویه کالاها و خدمات گرفته شود، افزایش یابد. در واقع افزایش نرخ ارز باید متناسب با این مسائل باشد.

به نظر شما با اتخاذ چه تدابیری می‌توان از کاهش ارزش پول ملی جلوگیری کرد یا باعث تقویت آن شد؟

مهم‌ترین بحث مربوط به اصلاح زیرساخت‌های اقتصادی و تثبیت هزینه‌های تولید در جامعه است. اگر ما



قیمت نفت اوپک در بازارهای جهانی در سال ۹۶



میزان افزایش سرمایه بانک‌های دولتی طی سال‌های ۱۳۹۲ و ۱۳۹۶

